

# غائله‌ای از خط و قوانین غلط

احسان‌الله شکرالهی طالقانی

کارشناس ارشد رشته ادبیات فارسی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی



چکیده

یکصد سال پیش زمانی که انقلاب مردمی و خود جوش مشروطه به ثمر رسید بسیاری از کسانی که دل در گرو آزادی داشتند از جمله هنرمندان، شاعران و نویسندهای به وادی سیاست کشیده شدند و از این رهگذر هم خدمت‌ها کردند و هم رنج‌ها بردن. از سوی دیگر در آغاز مسیر همین مردم و نیز سیاستمدارانی که به گرد مجلس شورا و دستگاه قضا آمده بودند خود به درستی ساز و کار این دو نهاد را نمی‌شناختند و چه بسا در اثر ندانم کاری به بیراهه می‌رفتند. همچنین ارتباطات خاص که امروزه با عنوان پارتی شناخته می‌شوند در نتیجه دادخواهی مؤثر بوده است. مقاله حاضر به معرفی یکی از نمونه‌های هنرمندان بر جسته اهل مشروطه که به سیاست گرایید یعنی عمالکتاب و پرونده‌ای در خصوص یکی از آثار او می‌پردازد که می‌تواند تا حدودی حال و هوای مردم، هنرمندان، دلمدردان، اهل مجلس و دست‌اندرکاران دستگاه قضا را نشان دهد.



تصویر یکی از صفحات رسم المشق چاپ شده در ایران

بنام آنکه او نامی ندارد

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری جامعه ایرانی در مسیر ورود به جهانی جدید سرعت گرفت، و حضور تفکرات جدید به همراه ورود مظاهر تمدن نوین به ایران مقدمه‌ای شد برای پیدا کردن نهضتی که مشروطه‌خواهی نام گرفت. نهضتی که برای نخستین بار ساختار منجذب استبدالی را در جامعه ایران به چالش گرفت و پایه‌های اقتدار سیاسی را بر مبنای مشارکت مردم و قوانین اجتماعی قرار داد.

گروههای مختلفی از علماء، روشنفکران، اصناف، هنرمندان و حتی مردم عادی کوچه و بازار با تلقی‌های مختلف از مشروطیت و در قالب تشکل‌های گوناگون سیاسی و انجمن‌های علنی و سری به ایفای نقش پرداختند که طی چند سال اخیر به مناسبت یکصدمین سالگرد این نهضت از طریق همایش‌ها، نشسته‌ها، ویژه‌نامه‌ها، مجموعه مقالات و آثار مستقل مورد بررسی و نقد و تحلیل قرار گرفته است.

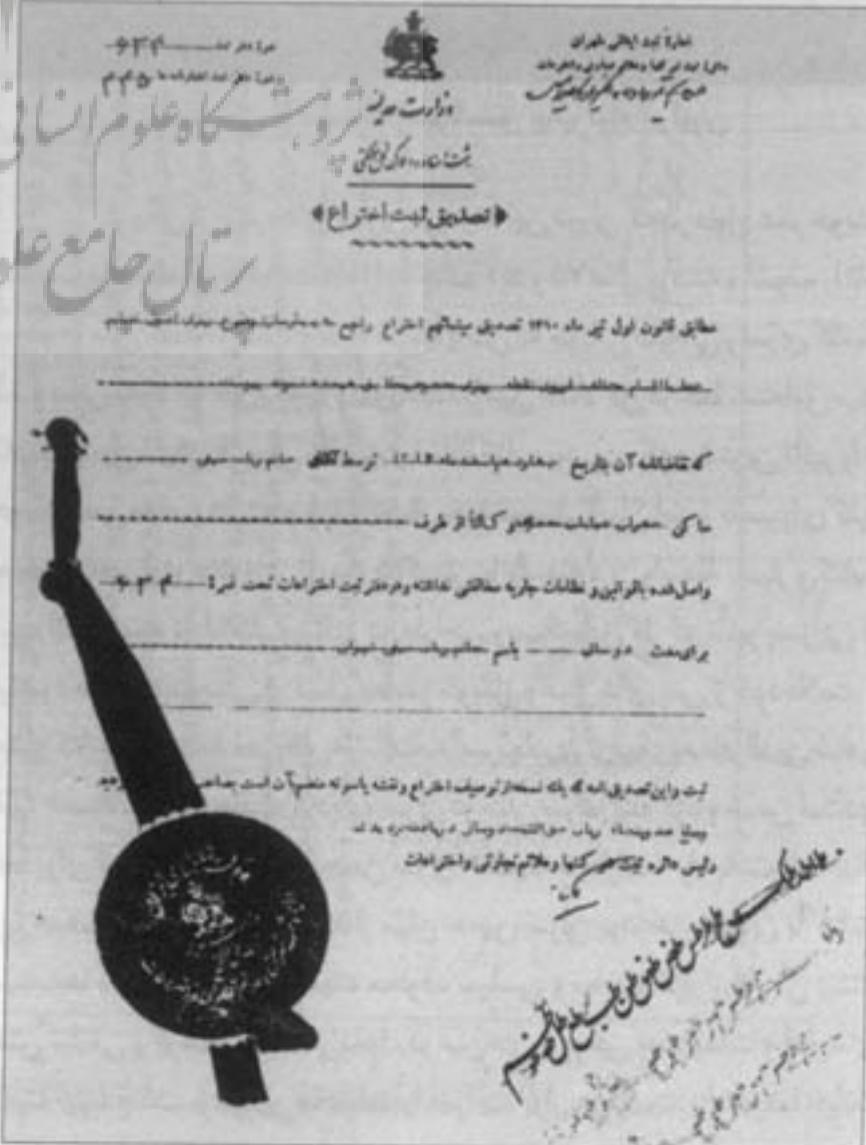
یکی از چهره‌های هنری بر جسته این دوران که در طول عمر خویش شناخته شده بسیار است، علامه ریست خواه ناخواه پاییش به جریانی سیاسی و سری کشیده اورد و در متن جامعه زیست و خواه ناخواه پاییش به جریانی سیاسی و سری کشیده شد و سعی نمود که حق بگوید و بنویسد، سومین استاد کل در خط نستعلیق میرزا محمدحسین سیفی قزوینی ملقب به عمالکتاب بود. وی که بیشترین تأثیر را در خوشنویسی معاصر داشته و حلقة اتصال خوشنویسان ایران امروز با میرزا کلهر به حساب می‌آید، علاوه بر تربیت شاگردان با واسطه و بی‌واسطه بسیار و کتابت آنبوه آثار، دست به ابتکار ویژه‌ای در طراحی رسم المشق داد که تأثیر بسزایی در پیشبرد هنر خوشنویسی در نسل معاصر خویش و نسل‌های پس از خود داشت. او بعد از کتابت شاهنامه معروف به شاهنامه امیر بهادری از سوی مظفر الدین شاه به لقب «عمالکتاب» ملقب گردید و سری در میان سرهای پیدا کرد و ضمن استادی خط برای سران مملکت، به انجمن سری «کمیته مجازات» راه یافت که هدف آن، حذف برخی از عناصر فاسد از میان همین سران بود. هر چند وی با کتابت شیوه‌نامه‌ها و بیانیه‌های این کمیته مخوف سیاسی و ساخت مهر برای آن بیشتر نقش تبلیغی و فرهنگی ایفا می‌نمود، در عین حال با برخی تصمیمات و قتل‌های کمیته نیز مخالف بود و این مخالفت را صراحتاً ابراز می‌داشت. بالاخره با خیانت



یکی از اعضاء رشته کار کمیته از هم گسترش و عمدالکتاب نیز همچون سایر اعضاء بازداشت شد؛ اما این شانس را داشت که تنها پنج سال حبس را تحمل کند و مانند برخی دیگر از اعضاء دچار مجازات مرگ نشود. او پس از آزادی نیز خوشنویسی را همچون پیش از دوران حبس جذی گرفت و با دستمایه‌ای که از سیاه مشق‌های دوران حبس به کف آورده بود، طرحی نو درانداخت. به این صورت که با سنتشکنی در شیوه تألیف متون آموزش خوشنویسی که در تمدن ایران و اسلام رایج بود، و با دستمایه‌ای از تجربه شخصی و نیز الگوبرداری از رسم المشق‌های غربی و لاتینی، نمونه رسم المشق را طراحی کرد که در نوع خود نخستین و بی‌نظیر بود.

وی که خود بیشتر از راه مشق صفحات خوشنویسی استادید پیشین به ویژه استاد اسلام محمد رضا کلهر به ملکه این هنر دست یافته بود. از همین تجربه شخصی الهام گرفت و توانست اولین رسم المشق چاپی خویش را در سال ۱۳۱۷ قمری تدوین کند. این رسم المشق که با ابجد و هوز شروع می‌شود و با روش تحلیلی مفردات و سپس با ترکیبات ساده خط نستعلیق ادامه پیدا می‌کرد و به خط نستعلیق و شکسته خاتمه می‌یافت در دارالفنون آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما از آنجا که خط استاد منام در حال پیشرفت بود رسم المشق دیگری را در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در سه دفتر تهیه کرد که آن هم به نوبه خود کاستی‌هایی داشت و پس از چندی جای خود را به دفاتر سی و شش گانه‌ای داد که مخصوص سوم تا ششم بود و از لحاظ آموزش هر دو خط نستعلیق و شکسته نستعلیق روش نوتروی داشت و به نظر می‌رسد از رسم المشق‌های انگلیسی و لاتینی الگو برداری شده بود.

عمdalکتاب از انتشار این رسم المشق‌ها اهداف والایی را دنبال می‌کرد که خود آن را در مقدمه ویرایش سوم این اثر چنین توضیح داده است: «من به زندگی کم عرض و طولی که فقط در تعیش و نقش و نگار فتاپذیر طبیعت غوطه‌ور باشد دلخوش نبودم. من پی بردم که در علت غایی خلقت وقتی می‌توانم داخل و سهیم باشم که به فلسفه ایجاد کاملاً وقف بوده. بدانم بشر



دارای چه وظیفه و تکلیفی است. خوشبختانه بدقايق این لطیفه مستحضر [شده] و خوب دریافت که لذت و شیرینی حیات فقط نام نیک [است]، و آنکه می‌تواند دعوی انسانیت نماید که نسبت به جامعه خدمتگذار [بوده] و آثار مفیدی برای ملت خود یادگار بگذارد. تحت تأثیر همین افکار در بیست سال قبل دوره رسم المشق ترتیب [دادم] و هموطنان من تصدیق دارند که یکی از نفیس‌ترین آثار من بود اینک همانرا با اسلوب بهتری تجدید [چاپ نموده] و یادگار می‌گذارد.

ابن محمدحسین عمالکتاب السیفی ۱۳۰۳ شمسی.

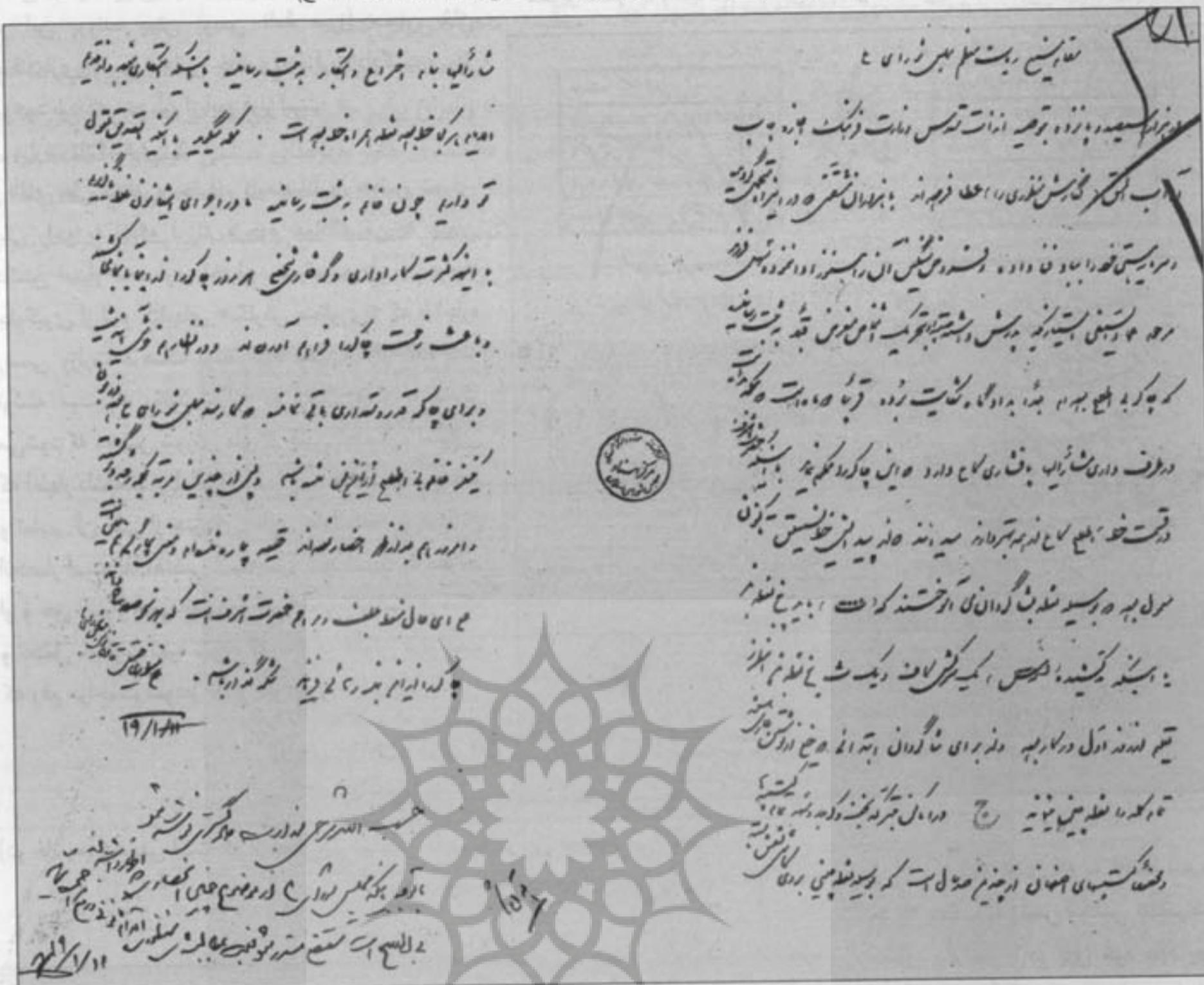
عمالکتاب برای فراهم نمودن زمینه چاپ رسم المشق‌های ابتکاری خود تلاش فراوان کرد و سختی‌های بسیاری را متحمل گردید او در نامه‌ای شکوه‌آمیز که به یکی از دوستان خود نوشت، به گوشه‌ای از این مصائب و ناگواریها اشاره کرده است، تصویر و متن این نامه به همت آقای علی صالحی شهیدی در مجله برسی‌های تاریخی سال اول شماره نخست مرداد ۱۳۷۳ ص ۶۲-۷۱ چاپ گردیده است. (تصویر شماره ۱)

سنگاندازی در مسیر صعب نشر این اثر در داخل کشور و با حمایت دولتی تا آنجا پیش رفت که عمالکتاب از ادامه راه پاپس کشید و بعد از فوت او دخترش ریاض سیفی که تنها وارث وی بود برای به ثبت رساندن حاصل عمر پدر تلاش کرد و بالاخره در سال ۱۳۱۸ یعنی سه سال پس از فوت پدر توانست این اثر را با عنوان «پیکرهازی، طرح‌بریزی، اصول تعلیم خط به اقسام مختلف از روی نقطه‌بریزی مخصوص مطابق هجده نمونه» به ثبت برساند و امتیاز آن را دریافت کند.

طبعاً طرح ابتکاری عمالکتاب به دلیل استفاده سهل و سرعت زیاد و پیشرفت هنر جویان که دوره طولانی چهل ساله تعلیم خط را به چهار سال تقليل داده بود، مورد توجه هنرجویان و هم دیگر خوشنویسان و مدرسان خط از جمله شاگردان مستقيم عمالکتاب قرار می‌گیرد، و ایشان نیز به اقتضای استاد رسم المشق‌هایی را به چاپ رسانند که مورد اعتراض و شکایت فرزند عمالکتاب، ریاض سیفی قرار می‌گیرد.

پروندهای از این ماجرا در بخش استاد مجلس شورای اسلامی موجود بود که به چند دلیل آن را دستمایه تنظیم این نوشه قرار دادم. یکی این که در متن نامه نخستین به موضوع «قانون غلط» اشاره شده که در یکصد و هشتاد و سالگرد قانونگذاری در کشور توجه به این موضوع می‌تواند جالب توجه باشد. به ویژه که حتی امروز نیز به مواردی از تصویب قوانین برمی‌خوریم که بدون مطالعه جامع و جدی، کلیه قوانین مغایر با آن قانون خاص را ملغی اعلام می‌کنند و مشکلات عدیده برای مجریان قانون فراهم می‌سازند. چراکه موضوع مغایرت قوانین بسیار حساس و ظریف است. دیگر اینکه بی‌تجربگی و خامکاری در امر عدالتخانه نیز در نامه دوم جلوه‌گر است که موضوعی فرهنگی را به دادگاه جنجه ارجاع داده‌اند و دست آخر اینکه داشتن روابط در حل و فصل مشکلات شخصی در آن دوران هم مؤثر بوده و اصلاً علت وجود این پرونده در مجلس شورای این بود که متشاکی اصلی پرونده یعنی آقای علی منظوری که خود شاگرد مستقيم عمالکتاب بوده است در آن دوران به عنوان قانون نویس کارمند مجلس شورای ملی بوده و برای دفاع از خویش دست به دامان رئیس مجلس گردیده بود.

اینک تصویر و متن اسناد مزبور عیناً درج می‌شود تا علاقمندان تاریخ تعلیم خط و پژوهندگان وادی خوشنویسی دوران معاصر این حلقه از سلسله طولانی تعلیم هنر را از نظر بگذرانند و بدانند که حتی پیروی از روش استاد از سوی شاگرد آنگاه که پای سوءتفاهم و احیاناً استفاده مادی درمیان باشد می‌تواند موجب ایجاد دردسرهایی بشود.



سند نخست نامه آقای علی منظوری است به رئیس وقت مجلس شورای ملی، آقای اسفندیاری که در نخستین روزهای شوال ۱۳۱۹ میلادی و مشهد تمام کتبه‌ها و مخصوصاً کتبه‌های اصفهان از چندین صد سال نگارش یافته است به این شرح:

ما خبر اخراج و ابتکار به بیت رسانیده، با اینکه ابتکاری نبوده و از قدیم الایام هر کجا خط بوده نقطه همراه خط بوده است. محکمه می‌گوید با این که ما تصدیق به قول تو داریم، چون خانم به ثبت رسانیده ما در اجرای این قانون غلط ناگزیریم. با اینهمه کثرت کار اداری و گرفتاری شخصی هر روز چاکر را از اینجا به آنجا می‌کشند و باعث زحمت چاکر را فراهم کرده‌اند و در انتظار هم خوش‌آیند نیست، و برای چاکر قدر و مقداری باقی نمانده که کارمند مجلس شورای ملی بوده و زیون یک نفر خانم بی‌طلاع از این فن شده باشم، و پس از چندین مرتبه به محکمه رفته و برگشته و امروز هم بعدازظهر احضار نموده‌اند. حقیقتاً بیچاره شده‌ام و معنی بیچارگی هم همین است.

علی ای حال منوط به لطف و مراحم حضرت اشرف است که به هر نحو صلاح دانند چاکر را از این بند رهایی فرمایند، شکرگذار باشم.

علی منظوری حقیقی، قانون نویس مجلس شورای ملی، ۱۱/۱/۱۳۱۹

هستند تمام کلمه را نقطه چین می‌نمایند. در اماکن متبرکه نجف و کربلا شورای ملی، آقای اسفندیاری که در نخستین روزهای شوال ۱۳۱۹ میلادی و مشهد تمام کتبه‌ها و مخصوصاً کتبه‌های اصفهان از چندین صد سال نگارش یافته است به این شرح:

مقام منیع ریاست معظم مجلس شورای ملی در هزار و سیصد و پانزده به توصیه آن ذات مقدس، وزارت فرهنگ اجازه چاپ آداب المشقق «نگارش منظوری» را عطا فرموده‌اند. با هزاران مشقتی که در این راه متحمل گردیده و سرمایه هستی خود را به باد فنا داده و قروض سنگین آن را هنوز ادا ننموده، سهل، فرزند مرحوم عمالالسیفی امتیازی که پدرش داشته صبیغه او به تحریک اشخاص مغرض قبل از ثبت رسانیده که چاکر بی‌اطلاع بوده‌ام، بعداً به دادگاه شکایت برده، قرباً دو ماه است که محکمه بدایت در طرفداری مشارالیها پافشاری کاملی دارد که این چاکر را محکوم نماید. با این که حضرت اشرف در قسمت خط اطلاع کاملی از همه بهتر دارند، می‌دانند که از پیدایش خط نستعلیق تاکنون معمول بوده که به وسیله نقطه به شاگردان می‌آموختند که «ت» باید پنج نقطه باشد یا اینکه مد کشیده «س» یک سرکش کاف و یک «ث» پنج نقطه باشد، این طرز تعلیم از روز اول در کار بود، و از برای شاگردان ابتدایی که خیلی از نوشتن عاری

(سند شماره ۲)

تصویر شماره ۲ (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۷/۱/۲۸/۲۰۱۲/ع)



نامه بعدی که به فاصله سه ماه بعد باز خطاب به رئیس مجلس تنظیم شده امضای سه نفر را در پای خود دارد یعنی علاوه بر نام آقای علی منظوری اسامی دو خوشنویس دیگر، آقایان حسن زرین خط و حسین شرافت نیز در پای نامه به چشم می‌خورد؛ و این نشان می‌دهد خانم سیفی از همه کسانی که رسم‌المشقی شبیه رسم‌المشق پدر مرحومش تولید کرده‌اند شکایت نموده در صورتی که این تعیین از سوی خوشنویسان و شاگردان عmadالكتاب می‌باشد موجب مسرت و افتخار ایشان می‌شود، اما گویا خانم سیفی بجای مسرت احساس کسالت کرده و شکایت متعدد تنظیم نموده و کار به ارسال نامه جمعی هنرمندان کشیده است. به دلیل خوانایی و خوش خطی تصویر این نامه را در ابعاد بزرگتر نسبت به سایر اسناد درج می‌کنیم تا نیازی به پیاده کردن متن آن نباشد.

(سند شماره ۳\_۴/۳)

(سند شماره ۲)

در این پرونده پیش نویس نامه میرزا حسین خان اسفندیاری، رئیس مجلس خطاب به وزارت دادگستری نیز موجود بود که متن آن از این قرار است:

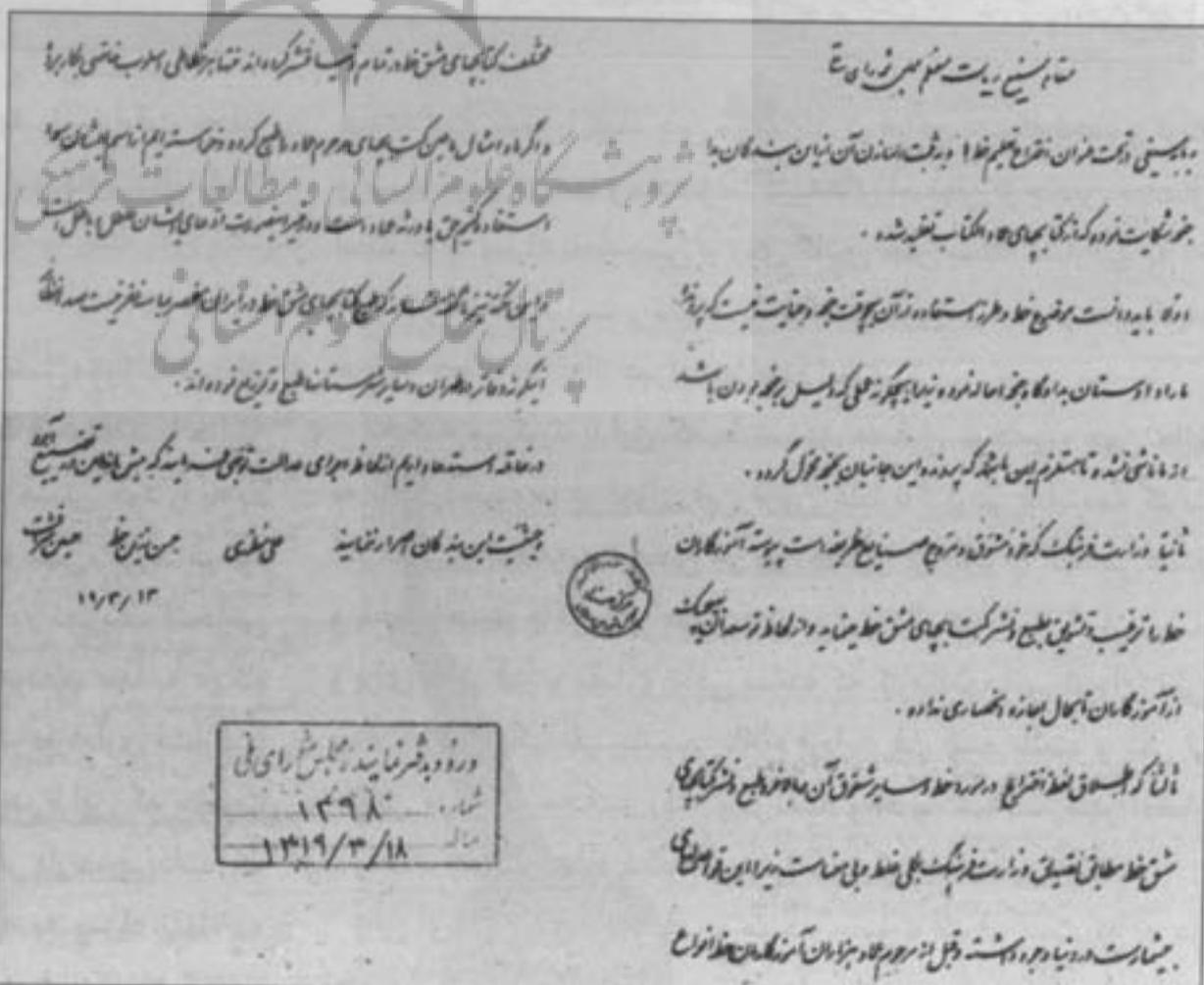
وزارت دادگستری

آقای علی منظوری حقیقی کارمند اداری مجلس شورای ملی راجع به اینکه فرزند مرحوم عmadالسیفی به عنوان داشتن امتیاز انحصاری اختراع رسم‌المشق آن مرحوم و جلوگیری از نشر کتابهای «نگارش منظوری» که با اجازه رسمی وزارت فرهنگ بوده مورد تعقیب قرار داده نامه نوشته است که رونوشت آن لفا ارسال و لزوماً متذکر می‌شود که مجلس شورای ملی از چنین انحصار و امتیازی که اظهار داشته‌اند بی‌اطلاع [بوده] و به علاوه موضوع خط و تعلیم آن یکی از هنرهای جاری عام‌المنفعه و غیرقابل انحصار است، لذا مقتضی است مقرر شود نسبت به مطالب او و حق انتشار آداب المشقی که با تجویز وزارت فرهنگ و تحمل خسارت تهیه نموده مورد توجه قانونی قرار دهند که رفع مزاحمت نموده [تا] از کار اداری باز نماند.

رئیس مجلس شورای ملی  
[امضاء]: عنقا

[در حاشیه]: بدیهی است که انحصار هم شرایطی دارد که در این موضوع مورد ندارد.

۸۰



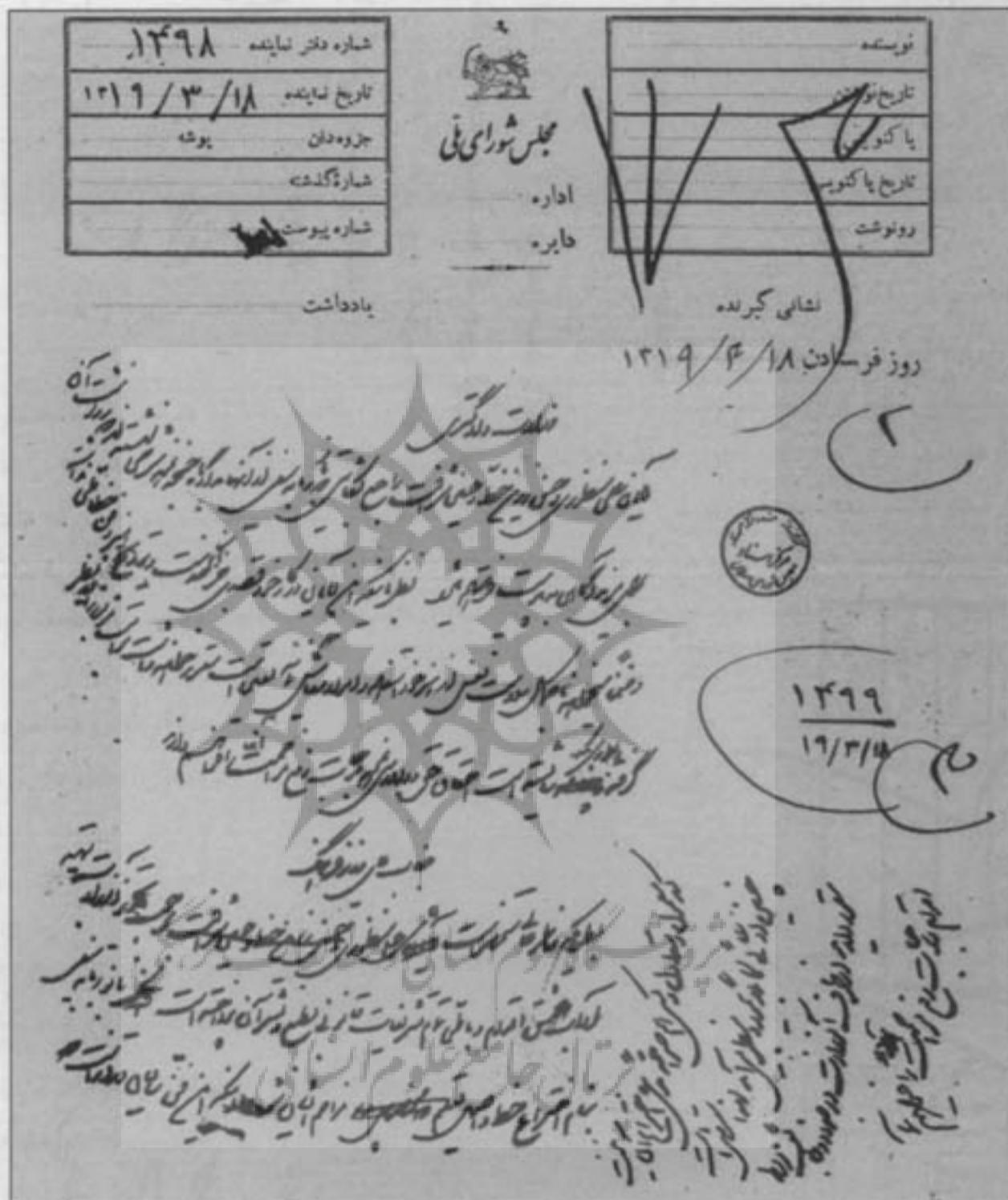
وزیر پست سمت نماینده  
۱۳۹۰/۳/۱۸

تصویر شماره ۳ (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۷/۱/۲۸/۲۰۱۲/ع)

آن وزارت خانه چاپ شده است لذا از وی انتظار می‌رود در احراق حق مظلومان ماجرا پادرمیانی کند.

اینکه غایله رسم الخط چگونه ختم شده اطلاعی ندارم، اما آنچه از این استناد و اوراق برایم جالب بود این که در دهه‌های آغازین فعالیت مجلس و دادگستری هنوز چهره‌های سیاسی طراز اول مملکت در حد رئیس مجلس و وزیر فرهنگ هم حتی نمی‌دانستند در قبال مسائلی به این سادگی چگونه عمل کنند و با آزمون و خطا در پی پیداکردن راه حلی برای موضوعاتی از این دست بوده‌اند.

سند بعدی باز پیش‌نویس نامه دیگری است خطاب به وزارت دادگستری از سوی مجلس با همان مضمون و راجع به سه نفر مزبور. گویا از جانب ریاست مجلس نامه‌ای هم خطاب به وزیر فرهنگ نوشته شده بود که پیش‌نویس آن در پرونده نیست اما پاسخ زیر بصورت تایپ شده موجود است که وزیر وقت فرهنگ با احالة موضوع به وزارت دادگستری خواسته خود را از ماجرا کنار بکشد، و آخرین سند هم پیش‌نویس نامه رئیس مجلس، اسفندیاری، به اسماعیل مرأت، وزیر فرهنگ است مبنی بر اینکه اطلاع داشته پرونده مزبور در دادگستری مورد تعقیب است اما چون موضوع راجع به امور فرهنگی است و از آنجا که سرمشق‌ها با اجازه

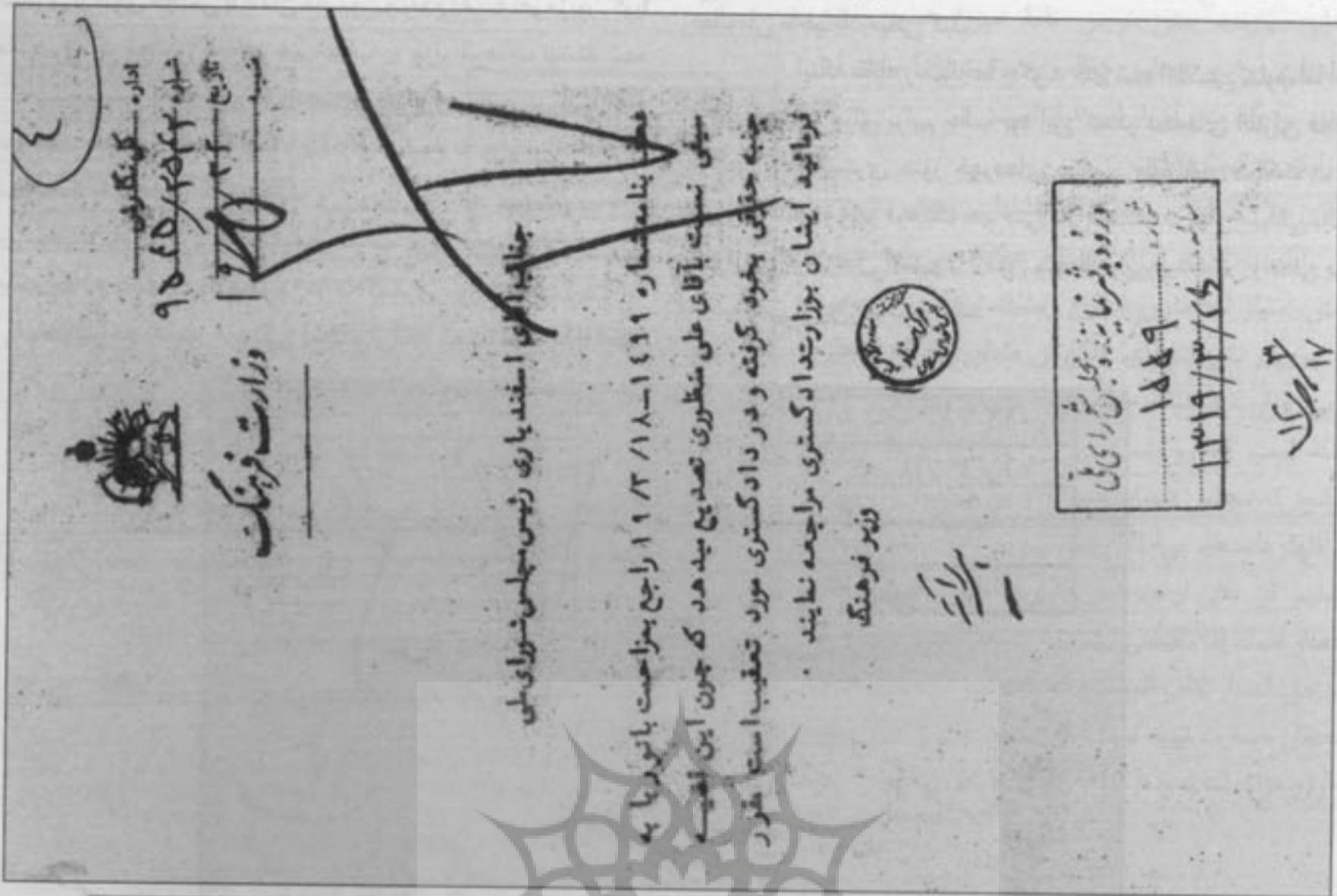


تصویر شماره ۴/۱ (کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۲/۱۷۱/۳/۲۸/۲۰۱۲/ع)

## مراجع:

- ۱- عmadالكتاب، محمدحسن. رسم المشق عمادالكتاب السيفي ۱۳۱۵-۱۲۴۰. تهران: فرهنگسرای [؟ ۱۳۶۷].
  - ۲- راهجیری، علی. زندگانی و آثار عمادالكتاب: میرزا محمدحسین خان سیفی قزوینی خوشنویس مشهور قرن اخیر. تهران: کتابخانه مرکزی، ۱۳۶۲.
  - ۳- سلوتی، رحیم. میراث جاوید: پژوهشنامه خط نستعلیق (از ابتدا تا نیمه اول قرن چهاردهم هجری). تهران: گنجینه فرهنگ، ۱۳۸۲.
  - ۴- متولی، عبدالله. کمیته مجازات. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
  - ۵- عmadالكتاب، محمدحسین. طرفه آثار ایام زندان عmad الكتاب. مقدمه و خط غلامحسین امیرخانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۸۳.
  - ۶- نورمحمدی، مهدی. شاهیر قزوین. قزوین: سایه گستر، ۱۳۸۱.
  - ۷- قلیچ خانی، حمیدرضا. «معرفی و بررسی و مقایسه متن‌های آموزشی خوشنویسی از سده دوم دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار». کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۴۰.
  - ۸- صالحی شهیدی، علی. «اولین رسم المشق چاپی ثبت شده در ایران». مجله بررسی‌های تاریخی ایران، س، ۱، ش نخست، مرداد ۱۳۷۳، ص ۶۲-۷۱.

تصویر شماره ۴/۲ (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)



تصویر شماره ۴/۳ (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

